

# به پیشواز جشن ملی ارگنه قون (اوغوز گونی/ بهار بایرامی) ۳- نوروز

## به یاد روز تولد بهارین قلب نازنین اجوجان شفیع



گۆل عشقینا شنیدا بیلایل ناز ایلار،  
سأحر یلی اؤسر، اؤسمز ناز ایلار.»

(آیدیمدان)

«بهار گلسه گۆل آچیلار باغلاردا  
بیلایل لر مسگنی غوجا داغلاردا

در آغاز کلام فرا رسیدن ملی "ارگنه قون/ بهار بایرامی" (نوروز) را به تمامی ایل-اولوس شادباش گفته، سالی پربرکت، صحت و سلامتی و طلوع تابش نور آزادیبخش تانگری آسمانها را تمنا می کنم.

قبل از اشغال سرزمین تورکان، تورکیستان و از آنجمله تورکمنیستان شمالی توسط بلشویکهای روس، جشن سال نو با شکوه خاصی برگزار میگردید. گرچه در زمان شوروی نوروز در تورکمنیستان غدغن اعلام نشد ولی آنرا "میراث زیانبخش کهنه" نامیده میشد که به این جشن ملی نوعی گرایش منفی را بوجود آوردند. حتی برخی از "متفکران" ما آنرا "جشن کردان" (تورکمنهای تورکمنیستان شمالی به فارسها کرد می گویند) نامیده، سعی میکردند آنرا از مردم خویش میرا سازند. در تورکمنیستان جنوبی نیز اینگونه تبلیغات رایج است و نوروز را بقایای آتش پرستی و مغایر با اسلام معرفی میکنند.

بعد از استقلال تورکمنیستان، در دهمین نشست اتحادیه نویسندگان تورکمنیستان در تاریخ بیست و هشتم فوریه سال ۱۹۹۱، نوروز بعنوان عید ملی به تصویب رسید و از آن پس هر سال این جشن ملی با شکوه خاصی برگزار میگردد و این روز در کشور تعطیل رسمی می باشد.

نوروز جشن شکوهمند تمامی ملل آسیای میانه است. این روز، روز زایش نوین طبیعت و گرمابخش حیات جانداران مقدس شمرده میشود. نوروز، متعلق به قوم یا ملت خاصی نیست و هیچکی حق آنرا ندارد که این جشن بزرگ طبیعت را بخود محدود نماید. در برخی کشورها نحیر تورکیه، کردها از این فرصت که برای صلح و شادمانی پیش آمده، بعنوان روز تظاهرات سیاسی علیه رژیم استفاده می کنند و اینگونه تبلیغ می کنند که این جشن مختص بخودشان است. در صورتیکه "نوروز" نمی تواند یک کلمه کردی باشد چرا که در زبان کردی به "روز"، "روز"، "روز" می گویند. در زبان فارسی نیز تقریباً همیشه، صفت بعد از اسم می آید. بنابراین تعریف این روز در زبان فارسی نه "نوروز"، بلکه بایستی "روز نو" گفته شود (مثل لباس نو، خانه نو...).

اگر نوروز آغاز سال نو باشد، چرا در زبان فارسی بجای اینکه به آن "نو سال/ سال نو" بگویند، روز نو اطلاق میشود؟ از آن گذشته قدمت زبان فارسی کنونی آنچنان نیست که به این جشن باشکوه اسمی همانند نوروز بدهد. در پهلوی باستان و کتاب اوستا نیز به کلمه نوروز بر نمی خوریم.

### پس ریشه این کلمه "نوروز" در کجاست؟

بنا به حدس و گمان ما این کلمه از زبانی دیگر به فارسی ترجمه شده و این معنی را بخود گرفته است. همانند بیشتر کلماتی که از زبان همسایگان از جمله تورکی، وارد زبان فارسی گشته است. و چون این جشن بهاری نخستین بار در بین سومریان و دیگر تورکان آسیای میانه فعلی برگزار میشده و از آنجا توسط سومریان به شوش و مزوپوتامیا منتقل شده، می توان گفت که نام اصلی این جشن را که بر ما نیز فعلاً معلوم نیست، بصورت ترجمه به زبان فارسی وارد گشته است. ولی بجای اینکه معنای سال نو را برساند، بعنوان روز نو معرفی شده است.

در آثار دانشمند و وزیر معروف قاراخانیان، یوسف حاجب خاص (اهل بلاساغون) بنام "قوتادغو بیلک" (علم سعادت بخش) باب ویژه ای درباره نوروز و بزرگداشت آن هست. همچنین بنا به نوشته مورخ مشهور دوره مغولها، خواجه رشید الدین فضل الله همدانی بنام "جوامع التواریخ" (ص ۲۹) این چنین آمده است: "روز تولد اوغوزخان طبیعت سراسر به سبزه گرآیند و همه جا گل شکوفان گشت، پس روز تولد اوغوزخان را آغازگر سال نو اعلام کردند و آنرا اوغوز گونی نامیدند."

دکتر مهرداد بهار نیز در مقدمه کتاب خود بنام "تخت جمشید" و هم در مصاحبه خویش با مجله "آدینه" (بهار ۱۳۷۲) می نویسد: "... جشن نوروز در اصل یک جشن آریایی نبوده بلکه نخست در بین سومریان مرسوم بوده است." نخستین تقویم/ روشمار و سالنگار در بین ایرانیان به همت جلال الدین ملکشاه سلجوقی و دانشمندان آن دوره نظیر عمرخیم تدوین گشت. (جهت آشنائی بیشتر با ریشه پیدایش نوروز می توان به جزوه ای که توسط بگمراه گری تهیه شده و توسط انجمن فرهنگی تورکمنهای برلین در ژانویه ۹۸ منتشر شده رجوع نمود)

در اثر معروف "تاریخ بخارا" نوشته ابوبکر نرشچی و نیز "حدود العالم" در وصف نوروز و جشن بهار فصل های ویژه ای وجود دارد.

در ادبیات تورکمنی از شکوه و بزرگداشت "بهار بایرامی" (جشن نوروز) فراوان سخن گفته میشود. در بین تورکمنها با حساب کنونی، ۱۰ روز مانده به نوروز، جشنی بنام "چوپون نوروزی" (نوروز چوپانی) برگزار میشود. که معمولا چوپانان با مشاهده طلوع ستاره مخصوصی فرا رسیدن آنرا اولین بار مژده میدهند. احترام به نوروز در آثار شاعر ملی مان مختومقلی فراغی نیز بعینه مشاهده میشود:

« یرده نوروز حورماتی، گؤکده ینلدیز حورماتی،  
 آیینگ- گونینگ حورماتی، گناهیم گذشت ایله."  
 (به حرمت نوروز در زمین، و ستارگان آسمان،  
 به احترام ماه و خورشید، از گناهاتم درگذر.)

جشن نوروز در بین تورکمنها سمبل برکت، احترام و کمک به هم نوعان است. در این روز کودکانی را که به سن نوجوانی میرسند را سوار بر اسبی سفید کرده، از جامی طلایی آب می نوشانند.



در شب فرا رسیدن نوروز، دختران بازیهای مخصوصی چون "مونجیق آتدی" برگزار می کنند. در این بازیها ابیات زیرین بین بازی کنندگان رد و بدل میشود:

« نوروز گلدی بو گیجه، غیزلار آتارلار بیجه،  
 کیمینگ بیجه سی چیقسا بایراغی حوروز- جویجه."  
 (نوروز آمد امشب دختران قرعه می اندازند،  
 قرعه بنام هر کس بیافتد هدیه اش خروس و جوجه است)

در این روز نوجوانان و خردسالان نیز همراه والدین خویش به دامنه های کوه و دشت می زنند و به بازیهای مخصوصی چون "اشیق اویونی"، "چیلیک" ... می پردازند. فرزندان که در این روز بدنیا می آیند را "نوروز" و "نوروزقولی" می نامند.



فرا رسیدن بهار را خانواده ها در دشت زیبا با پختن "سمنی" بهمدیگر شادباش می گویند.  
 سخنم را با بندی دیگر از ترانه ای را در وصف بهار سروده شده به پایان می رسانم:  
 "بهار گلسه سایرار شاهیرینگ دیلی  
 عاشیق، ماغشو غینا باغیش ادر گولی،  
 دوستلاریم باهار هم گوزلدیر ولی  
 یر گورکونی انسان بزأر، اووز ایلأر."  
 (در بهار زبان شاعران به خروش می آید  
 عاشقان به معشوقه هایشان گل تقدیم می کنند،  
 دوستان بهار هم زیباست ولی  
 این انسان است که ترین بخش روی زمین."

**ارگنه قون/ اوغوز گونی/ نوروز تان شاد باد!**

آقمیرات گورگنلی  
 مارس ۲۰۰۹